

تاثیر ادبی مهاجران بر ساکنان سرزمین شمالی

مهاجرت، چه سیاسی چه اجتماعی و چه اقتصادی، به صورت نمادین بندنافی است که بریده می‌شود و با خود جدایی می‌آورد، جدایی مهاجر از سرزمین مادری.



مهاجرت، چه سیاسی چه اجتماعی و چه اقتصادی، به صورت نمادین بندنافی است که بریده می‌شود و با خود جدایی می‌آورد، جدایی مهاجر از سرزمین مادری.

یکی از علل عمده مهاجرت جنگ است و گریز از آن؛ مهاجر با دست خالی همه چیز را رها می‌کند و بدون پشتوانه مالی و توشه راهی، فقط در پی نجات جان خود و خانواده‌اش است. بنابراین دست یافتن به موقعیتی انسانی و در شأن مهاجر تلاش زیادی می‌طلبند، تلاشی که همه مهاجران در آن موفق نمی‌شوند. گیلان زمین از سده 19 میلادی شاهد حضور مهاجرانی بود که دلایل حضورشان متفاوت بود.

در همین سده بود که در پی دوره اول و دوم جنگ‌های ایران و روسیه و تحمیل عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای بر ایران، نفوذ روسیه در مناطق شمالی کشور افزایش یافت، تا جایی که قاجاریه صید و خرید و فروش ماهی دریای خزر و رودخانه‌های شمالی دریا را به دست اشخاصی از اتباع روسیه سپرد.

طبق عهدنامه ترکمنچای برای اتباع روسیه حقوق و امتیازات تجاری و قضایی خاصی در نظر گرفته شد و مهاجران روس برای کار و سرمایه‌گذاری به ایران آمدند. یکی از این مهاجران، استپان مارتی نوویچ لیانازوف تاجر ارمنی حاجی ترخان بود که با حمایت دولت روسیه موفق به دریافت امتیاز بهره‌برداری از شیلات شمال شد. خانواده لیانازوف که در کار داد و ستد، صید ماهی و عمل آوری خاویار بودند با این امتیاز جدید ثروت سرشاری به دست آوردند، تا جایی که بزرگ این خانواده از طرف دولت ایران لقب «مستشارالتجار» گرفت، اما وقتی شوروی جایگزین روسیه شد، این خانواده هم تمام امتیاز خود از بهره‌برداری از دریای شمال را به شوروی واگذار کرد.

با آغاز سده بیست میلادی روسیه خود دچار تلاطم‌هایی عظیم شد. نخست جنگ جهانی اول بود (1914 - 1918) که روسیه درگیر آن شد و در گیرودار این جنگ بزرگ بود که انقلاب اکتبر هم در سال 1917 رخ داد و روسیه تزاری، کمونیستی شد. مهاجرتی عظیم از همین جا شکل گرفت. جنگ‌زده‌ها و روس‌های سفید یا کشته شدند و یا مجبور به ترک روسیه. این مهاجران روس چند رده شدند.

1- تعداد زیادی از آنهایی که به آمریکا و اروپا رفتند پول‌هایشان را به بانکی در انگلستان سپردند تا بعد در اروپا و آمریکا پولشان را تحویل بگیرند. انگلستان با به رسمیت شناختن شوروی هرگز پولی به مهاجران روس نداد. رانندگی تاکسی شغل بسیار آبرومندی برای یک شاهزاده روس در فرانسه شد.

2- آنهایی که به ایران آمدند یا با پول آمدند یا پولشان را به طلا و سنگ قیمتی تبدیل کردند و با خود آوردند. آنهایی که با پول آمدند بازندگان اصلی بودند؛ چون پولشان نه در ایران به دردشان می‌خورد و نه در حکومت جدید سرزمین مادری.

3- آنهایی که از آذربایجان، ارمنستان و گرجستان آمدند و آنهایی که از دل روسیه آمدند. گروه اول شاید به خانه خودشان باز می‌گشتند؛ زیرا هم‌زبان و هم‌فرهنگ بودند با بسیاری از ایرانیان. گروه دوم مهاجر بودن را با پوست و استخوانشان حس کردند؛ فرهنگ بیگانه، مذهب بیگانه و زبان بیگانه. مهاجران این گروه که از همه طبقه اجتماعی بودند، هم بر جامعه میزبان تأثیر گذاشتند و هم از آن تأثیر گرفتند؛ اما در بهترین حالت هم، از درون خود، نتوانستند جذب جامعه میزبان شوند.

مادام، موسیو و ارمنی صدا زده شدند و همواره در حاشیه ماندند، اما گیلان زمین بویژه انزلی، با پیشینه حضور روس‌تبارانی که در زمینه ماهی و ماهیگیری فعال بودند و آب و هوای معتدل، اولین منزلگاه برای ورود به ایران شد. خانواده‌های زیادی از مهاجران روس از کشتی پیاده شدند و همانجا سکنی گزیدند.

مستقرشدن روس‌های مهاجر در گیلان زمین، به کار گمارده شدنشان در شغل‌های مختلف را هم سبب شد، اما ندانستن زبان فارسی همراه با گویش گیلکی و نیاز به برقراری ارتباط با اهالی کشور میزبان برای بیان مقصود، این مهاجران را به طور طبیعی سوق داد به استفاده ترکیبی از واژگان دو زبان مبدأ و مقصد؛ از اینجا زبان روسی غیرمستقیم در محاوره‌ها حضور پیدا کرد. با توجه به آمد و شد دریایی با کشتی‌های روسی، بندرگاه و شیلات مهم‌ترین مراکزی شدند که روس‌های مهاجر را به کار گماردند؛ بنابراین واژه‌های روسی و گاهی آذری وارد گفت‌وگوها شد، و به مرور گیلانی‌ها نیز به آن واژه‌ها یا وام واژه‌ها خو کردند و با تلفظی بیشتر گیلکی آنها را به کار بستند. بعضی از این وام واژه‌ها به مرور با واژه‌های فارسی جایگزین شد و برخی در حد صحبت روزمره. از جمله چند نمونه که در ارتباط با ماهی و دریاست: لوتکه با تلفظ روسی (Lotka): قایق چوبی پارویی، پیلاخود/ پاراخود (Parakhod): کشتی، بارکاز (Barkaz): یدک کش، مل (Mol): موج شکن، دومان/ تومان (Touman): مه، بوتکه (Boutka): اتاقک حصیری کنار دریا/ دکه، از فرانسه به روسی، از روسی به فارسی آسیتترین (Asitrine): اوزون برون که خود واژه‌ای آذری است، سیلوتکا (Silotka): ماهی آرنگه که هیچ کس به این نام آن را نمی‌شناسد، سوف (Souf): ماهی

سوف، سیم (Sim): ماهی سیم که در سال‌های اخیر با نام سَبَلَه یا به قولی ماهی کبابی معروف شده است، قارماق / واژه‌ای آذری: قلاب ماهیگیری، گالش (Kaloshi): امروزه واژه بوت هم شنیده می‌شود که آن هم وام واژه است. و... البته در سال‌های اخیر یکی از اهداف فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل یابی برای بسیاری از وام واژه‌ها بوده است، چه روسی و چه زبانی دیگر؛ اما بعضی از این وام واژه‌ها دیگر جزئی از زبان میزبان شده‌اند. مهاجران روس تبار جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر 1917 از ترس جانشان آن بند ناف نمادین را بریدند و با فرار از سرزمین مادری، همراه با فرهنگ، زبان، مذهب و ادبیاتشان به ایران پیوستند تا در رابطه‌ای دو سویه، آنچه امروز بینا فرهنگی نامیده می‌شود، تاثیرگذار و تاثیرپذیر شوند. امروز حضور روس‌ها و ارامنه در گیلان کمرنگ است و با گذر زمان از نخستین روس‌ها و ارامنه‌ای که به گیلان آمدند هم اثری نیست، اما نسل‌هایی مستقیم با فرهنگ و زبان مهاجران جنگ آشنا شدند و نسل‌هایی، دانسته و ندانسته، حضور آن را در لایه‌هایی از زبان و فرهنگ امروزی‌شان یافتند.

ایلمیرا دادور / دانشیار دانشگاه تهران